



**معیارهای عضویت
سازمان پیکار
برای نجات افغانستان**

اسناد تاریخی

سازمان پیکار برای نجات افغانستان



معیارهای عضویت

انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ اولین تجربه م-ل در راه رهبری خلق های تحت ستم بسوی آزادی و برابری بود. از آن پس تجارب متعدد خلق های سراسر جهان بیش از پیش حقانیت م-ل را به عنوان تنها ایدئولوژی انقلابی و رهاییبخش خلق های به اثبات رسانید. چه بسا جنبش های انقلابی که بدلیل محصور بودن در پيله اندیشه ها و شیوه های خرده بورژوائی وعدم دسترسی و باکار بردن م-ل و علیرغم دادن قربانیهای فراوان دچار شکست شده اند این تجربیات چنان فراوان و قاطع بوده اند که امروز کلیه انقلابیونی که معتقد به م-ل نمی باشند و یا کوشش می کنند که با تهی کردن م-ل از مضمون ماتریالیست آن و بکارگرفتن شیوه های عمل و سازماندهی آن انقلاب خلق را به پیش برند. ولی هیچگاه این دسته از انقلابیون با این ایدئولوژی التقاطی قادر به رهبری انقلاب نبوده و بلاخره به شکست مواجه می شوند.

آن بخش از انقلاب که م-ل را صرف درحرف قبول کرده و د رپی تلفیق آن به شرایط مشخص جامعه خود نیستند، نیز کامیاب نخواهد شد.

تطبیق م-ل امریست همه جانبه و وسیع و ساحه ها و مراحل مختلف حرکت انقلابی و زندگی سازمان انقلابی را در بر می گیرد.

یکی از ساحه و یکی از مهمترین آنها سازماندهی و شیوه های کار سازماندهی است. اگر ما نتوانیم شیوه های لیبرالیستی و انارشییستی سازماندهی را به شیوه های انقلابی و مارکسیستی بدل نمائیم. اگر نتوانیم معیارهای صحیح و انقلابی برای عضویت تعیین نمائیم و اگر در زمینه تطبیق معیارهای تعیین شده برخورد قاطع ولی گذشت نداشته باشیم هیچگاه از حدود یک سازمان شبیه انقلابی، از حدود مجموع و محافل دوستانه یکرنگ و یکدل فراتر نخواهیم رفت.

توجه کنیم که تعیین معیارهای انقلابی برای عضویت صرف یک قسمتی از سازماندهی است، قسمت مهمترو اساسی تر آن بکاربردن این معیارست.

اگر در تطبیق معیارهای انقلابی دچار لیبرالیسم و - ساده گیری شویم و ملاحظات شخصی و دوستانه را دخالت دهیم هرچه رشته ایم، پنبه کرده ایم.

از آنجائیکه از طرفی جنبش مارکسیستی - لنینستی کشور مان مراحل اولیه رشد خود را طی می کند و تقریباً هیچگونه معیار های مارکسیستی امتحان شده در شرایط مشخص کشور ما وجود ندارد، از طرف دیگر جنبش و سازمانهای انقلابی رشد نماید، نمی توان یکسلسله معیارهای عضویت را برای مدتی نا محدود بکار برد. و بنا برین معیارهای که برای عضویت در سازمان تعیین می شود، جنبه موقتی دارد و پیش از یکدوره نه چندان کوتاه و آزمایشی کارهای این معیار های چنانچه تغییراتی لازم باشد، در آن انجام می دهیم.

معیارهای عضویت عبارت اند از:

1. م- ل- را به عنوان اساس ایدئولوژیکی قبول داشته باشد .
2. تحلیل مشخص از اوضاع اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی افغانستان داشته باشد و نیرو های خلق و دشمن خلق به ترتیب اهمیت برایش مشخص باشد .
3. استراتیژی و شیوه های کار سازمانی را قبول داشته باشد .
4. حرفه ای باشد .
5. انتقاد و انتقاد از خود را فعالانه بکار برده و دائماً با خصوصیت بورژواامابانه که مخصوص لیبرالیسم است در خود و رفقا - مبارزه کند .
6. دارای عزم استوار در آموختن و بکار بردن فن مبارزه با پولیس و مخفی کاری باشد .
7. قبول اصل سانترالیزم دیموکراتیک در سازماندهی و تصمیم و بکار بردن فعالانه آن
8. گذشتاندن یک دوره کار توده ای برای افرادی که بکارهای فکری اشتغال دارند .
9. فعالیت در یکی از کمیته های سازمان و پرداخت حق العضویت .

توضیح موارد فوق :

۱- قبول م- ل- را به معنی اعتقاد سطحی به آن نیست . نامزد عضویت بایستی درک صحیح از اصول اساسی م- ل- داشته باشد و در کلیه امور خود چه برخوردهای روزمره شخصی و چه در زمینه کارهای سیاسی و تحقیقات سازمانی دارای دید و شیوه عمل مارکسیستی باشد. این جهان بینی و شناخت صرف در برخورد طولانی نامزد عضویت حاصل می شود و برای تکمیل آن در زمینه تئوری بایست نامزد عضویت بتواند به سوالهائیکه در زمینه اصول م- ل- مطرح می شود جواب دهد و قاطعانه برضد رویزیونیسم و در راس آن رویزیونیسم شوروی مبارزه کند .

۲- یعنی اینکه نامزد عضویت در مورد شناخت اقتصادی - اجتماعی افغانستان ، روابط طبقاتی ، شیوه تولید و میزان نفوذ امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم و همچنان گروه های سیاسی افغانستان و خط مشی آنها ، انحرافات رائیج در بین آنها اطلاعات کافی داشته باشد و در رابطه به این اطلاعات موضع روشنی اتخاذ کند ، این موضع نباید با موضع سازمان متضاد باشد .

۳- حرفه ای بودن بمعنی اینست که هر لحظه کل زندگی رفیق در اختیار سازمان است و منافع خلق و سازمان قبل از کلیه منافع وابستگی های شخصی و فامیلی قرار داشته باشد ، عضویکه حرفه ای است در صورتیکه سازمان تشخیص دهد میتواند تا لحظه که نیاز تمام وقت با ونیست ، وظیفه های خود را انجام داده با فامیل خود یکجا زندگی کند ، ولی در صورت ضرورت بلافاصله باید فامیل ، پیشه و هر وابستگی دیگر خود را قطع کند .

۴- بکار بردن فعالانه انتقاد و انتقاد از خود : فرد باید آموخته باشد^۱ انتقاد و انتقاد از خود را فعالانه و خلاق بکار برد «یعنی شهامت و انتقاد کردن و اشتباهات خود و دیگران را داشته باشد ، یعنی به تجربه فهمیده باشد که انتقاد و انتقاد کردن از فعالیت ها و اعمال غلط خود حتی اگر دیگران ناظر بر آنها نباشند ، بهیچوجه موجب کسر شان و شخصیت او نبوده بلکه تاثیر قاطع در اصلاح و ارتقا او بمراحل عالی تر درک و عمل انقلابی م- ل دارد. همچنین انتقاد از اعمال غلط سایر رفقا تاثیر فروان در اصلاح شیوه کار رفقا و نتیجتا اصلاح شیوه کار و رهبری سازمان بطرف خط صحیح مبارزاتی دارد . بر اساس این در ک انتقاد از خود انتقاد از سایر رفقا و انتقاد از مجموعه سازمان ها وظیفه حتمی داشته و فعالانه آنرا اجرا نماید . انتقاد از خود و دیگران هیچگاه بمعنی خرده گیری و نق نق کردن و تصفیه حساب خصوصی نیست . هرگاه انتقاد و انتقاد از خود به این شکل عمل نشود نه تنها باعث ارتقا خود و رفقای سازمان بمراحل عالیتر مبارزه رهایبخش نیست ، بلکه کوششی است در جهت ایجاد کدورت ، بدبینی و دشمنی بین خود و رفقا که بلاخره منجر به متلاشی شدن سازمان می گردد . برای انتقاد از خود دیگران و همچنین سازمان نبایست عجله کرد و بمجرد برخورد به هر گونه عمل مشکوک و احيانا غلطی - یک جلسه انتقاد ترتیب داده و انتقاد بایست مستند و بر اساس مشاهدات نسبتا طولانی ، جمع بندی و فورملی کردن اشتباهات بلاخره تحلیل اعمال غلط باشد . اعمال غلطی که عمدا و بمنظور احلال درکار سازمان انجام میگردد و ازین قاعده مستثنی بوده بایستی فورا به کمیته مسئول گذارش داده شود . درواقع اینگونه اعمال شامل انتقاد نمی شود ، بلکه در محدوده قوانین انضباطی سازمان قراردارند که به توبیخ ورد صورت خیانت به اعدام منجر می شود .

کمال مطلوب اینست که انتقاد همراه با ارائه راه حل باشد. انتقاد کننده در صورتیکه راحل مشخصی در نظر ندارد باید از حوزه بخواهد با رفیق خاطی کمک کرده راحل مناسبی پیشنهاد نماید. در صورتیکه حوزه نیز قادر به ارائه راحل نباشد، از طریق ارتباط حوزه ئی بایست کل سازمان را به کمک طلبید. انتقاد و انتقاد از خود بمعنی انتقاد کردن صرف در حرف نیست، یعنی انتقاد کننده نبایستی به ادامه انتقاد وظیفه خود را تمام شده تلقی نماید بلکه او مسئول است تا آخرین مرحله یعنی اصلاح مورد انتقاد یا فشاری و پیکار نماید. در صورت کوشش در اصلاح مورد انتقاد و باز خواست نماید. در صورت تکرار آن از طریق آئین نامه انضباطی اقدام نماید. شرط اصلی در انتقاد وسائیر رفقا بکاربرد روحیه و برخورد رفیقانه با رفیق خاطی میباشد. در برخورد دشمنانه و عبوسانه بارفقا موجب دلسردی و دشمنی رفقا نسبت به همه و سازمان و احتمالاً منجر به خیانت رفیق می شود که دارای روحیه ضعیف و زود رنج می باشد. همچنین جنبه دیگر انتقاد و انتقاد از خود مبارزه با روحیات ناپرووردگی و زود رنجی می باشد که حامی دستپروردگان بورژوازی و خورده بورژوازی ناز پرورده و بالترتیب می باشد.

۵- دارای عزم استوار در آموختن و به کار بردن فن مبارزه با پولیس و مخفی کاری باشد :

علم مبارزه با پولیس و پولیس سیاسی و فن مخفی کاری بسیار گسترده و وسیع می باشد. دقیقاً با وسعت اصول و تاکتیک هائی که پولیس و نیروی امنیتی دشمن هرروز کشف و در مبارزه با انقلابیون و پیشروان خلق بکار میبرد. فرد بایست دارای استعداد و درک و کشف شیوه کار و پیکار نیروهای پولیسی امنیتی دشمن و تبارز عکس العمل های مناسب در برابر آنها باشد. این استعداد بطور غریزه در افراد نهفته نیست، ما معتقدیم هرکسی که قادر به تمیز خلق و دشمنان خلق باشد و مصمم بمبارزه و با دشمنان خلق قرار گرفته در جبهه خلق است دارای استعداد های فوق می باشد. به عبارت دیگر قادر است خود را آنچه آموزش دهد که در هر مورد با ایجاد عکس العمل های مناسب در برابر شیوه های پولیس دشمن کلی زحمات و فعالیت های آنرا بی اثر نماید که کسب فن فوق (فن مخفی کاری) و مبارزه با پولیس سیاسی نیاز به ممارست و پیگیری دائمی دارد. باید هر گونه نوآوری در شیوه های کار و برنامه های پولیس را مدنظر داشته تغییرات آن را کشف کرده

و در برابر آن پاد زهر مناسب ترشح کرد . رعایت اصول فوق بصورت خصوصیت عاد و خود بخودی انقلابی شود. در کسب آموختن فن مخفی کاری و مبارزه با پولیس دشمن نظم و پیگیری دو اصل طلائی میباشد .

لیبرالیسم و پراگنده کاری دو دشمن عمده و نابود کننده در یادگیری مخفی کاری و فن مبارزه با پولیس دشمن است .

۶- قبول سانتریالیسم دیموکراتیک بحیث یک اصل مارکسستی - لنینیستی از مراحل نطفوی یک تشیکل تا تکامل یک حزب م - ل ، بمنظور حفظ وحدت امریست ضروری ، زیرا تامین نظم در تشکیلات بدون رعایت دیموکراسی و انضباط و بکار بردن یک ازین دو و نادیده گرفتن ویا کم بهادادن به دیگری بمعنی قبول یک بخش از تضاد موجود در داخل پدیده و دربخش دیگر آن میباشد . لذا داشتن درک روشنی ازاین اصل و ضرورت کاربرد آن برای فردیکه عضویک سازمان م - ل می شود امریست حتمی و اعضای سازمان در مورد ضرورت این اصل مارکسستی و چگونگی آن درک همه جانبه باشد ، یعنی لازم است که یک عضو ، از دیموکراسی استفاده کرده هیچوقت به اطاعت کورکورانه تن در نهد و همچنین منافع اکثریت را بر منافع فردی ترجیح دهد و مسایل انضباطی را آگاهانه پذیرفته تطبیق و اجرا آن را در مورد خویش و دیگران رعایت نموده و از دیموکراسی افراطی ویا مطلق ساختن انضباط احتراز ورزد تا بدین ترتیب روحیه رزمندگی و نظم در تشکیلات تامین گردد .

۷- کار توده ای : خصوصیات اخلاقی ، فرهنگی و روانی انسانها مستقیما و اساسا از زمینه مادی و اجتماعی آنها نشئت میگیرد. اگرچه انسانها با گروه های و قشرهای اجتماعی گوناگونی در زندگی روزمره خود سروکاردارند ، اما باین هم عمده اوقات آنها در ارتباط به طبقه و قشرمعین و مخصوص میباشد . علیرغم اینکه هر فردی خود عنصری از عناصر تشکیل دهنده هر طبقه و قشر اجتماعی است ولی اخلاق و روحیات عناصر تشکیل دهنده ان اجتماع نیستند، بلکه حاصل برخوردهای عناصر مزبور از طرف یا زمینه تولیدی طبقه یا قشر فوق و برخوردهای آنها با یکدیگر از جانب دیگر حاصل برخورد طبقه آنها با سایر طبقات خواهد بود . بنا بر همین اصل جامعه شناسی است که روحیات طبقه کارگرا دهقانان متفاوت است و روحیه هردوی آنها با روحیات و اخلاق و خواستههای روشنفکرانیکه به امور ذهنی یا درحقیقت تولید ذهنی اشتغال دارند ، هیچگاه دارایی کارائی ووزرنگی چالاکی کارگران در امور تولید جسمانی وکارهایکه بیشتر دست وپامیطلبد تا

مغز نیستند. معروف است که میگویند: روشنفکران در زندگی بسیاری دست و پا هسستند. در عوض کارگران و کسانی که به امور ذهنی یا تولیدی ذهنی کمتر سروکار دارند و بیشتر به تولید دست می پردازند، دارای درک و هوشیاری روشنفکران در رابطه با مسایل سیاسی پلانهای وسیع اقتصادی - اجتماعی در سطح ملی و جهانی نیستند، آنها مستقیماً در برخوردهای روزمره و نزدیک خود نتیجه گیری کرده کمتر قادر به درک حقیقت روابط و رویدادهای و تجزیه و تحلیل حقایق مزبور میباشند.

فی المثل اگر فلان حاجی سرمایه دار بمناسبت روز عید یا هر مناسبت دیگری چند سیر شوله نذر کند، یا تظاهری بدینداری کند، علیرغم استثمار روزمره که بر کارگران روا می دارد - همان کارگران او را مرد خدا «با انصاف» دانسته برایش جنت را آرزو می کنند. آنها این گونه آدمهای هوشیار را به آندسته سرمایه داران «بی انصاف» یکی نمیدانند. غافل از اینکه سرمایه داران به هر رنگ و لباس سر تا پای یک کرباس اند و صرف بدنبال استثمار بیشتر کارگران اند.

زمینه مادی روشنفکران و همچنین برخورد توده های مردم با آنها باعث می شود که روشنفکران پرنسیپ و ارزش خاصی برای خود قایل می شوند که نتیجتاً این قشر در راس جامعه و به اصطلاح گل سر سبد جامعه تلقی می شوند. این امر موجب بروز خود خواهی ها و خود مرکز بینی بین روشنفکران میگردد. بطوریکه آنها یکسری از اعمال، مشاغل و حتی اماکن و اصطلاحات کسر شان خود دانسته و دیده تحقیر به آن مینگرند.

یکی از این موارد کار و زندگی کارگری وی به اصطلاح کارهای «پست» می باشد. برای از بین بردن این خصوصیت ضد خلقی که موجب بروز شکاف عمیق بین ناقلین ایدئولوژی انقلابی و نیروهای اصلی انقلاب می شود. لازم است که روشنفکران برای دوره بکاردرین توده ها و به اصطلاح کارهای «پست» بپردازند. بخصوص که این عمل آنها در رابطه انواع استثمار اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روانی قرار میگیرد و بطور عینی قادر به درک آنها می شود، از آنجائیکه زحمت کشان مورد توهین و آذاردائمی استثمارگران قرار دارند، روشنفکران میتوانند و بایستی با شرکت در تولید و زندگی زحمتکشان و تجربه زندگی روزمره آنها، از طرف خود خواهی و خود مرکزی بینی را در خود کشته، روحیات خلقی و مردمی را جایگزین آن نماید و از جانب دیگر کینه طبقاتی آنها از شکل ذهنی و تیوریک بصورت عینی و واقعی ارتقا یابد و شناخت واقعی از قدرت و ظرفیت انقلابی طبقه کارگر بدست آرند. به بیان دیگری از محاسن، گذشتان کار توده ای درک مستقیم بی رابطه استثمار و توهینی است که اجانب سرمایه داران و فیودالان یا به اصطلاح «باداران» به کارگران و دهقانان یاب اصطلاح «غریبان» وارد می شوند.

برای رفع نقایص فوف یعنی بی دست و پائی روشنفکران در امور روزمره و درک پائین غیر روشنفکران در شناخت حقیقت و روابط تولیدی و نتایج ان بایستی زمینه اجتماعی روابط آنها را اصلاح کرد. یعنی روشنفکران را بسوی تولید جسمانی و جوامع کارگری و دیگران را بسوی مطالعه - بحث و جوامع - روشنفکران هدایت نمود .

خلاصه بگوئیم : کار جسمانی را با کار ذهنی تلفیق کنیم . بدین منظور ما معتقدیم که در صورت امکان سازمان و محیا بودن شرایط نامزد عضویت ، یکدوره « یک ماهه » کار جسمانی فردیکی از معیار های عضویت سازمان می باشد . گرچه با گذشتانیدن یکدوره یک ماهه هدف ما تمام کمال برآورده نشده بلکه این تنها قدم بسیار کوچکی درراه تلفیق کارذهنی و کار جسمانی است . انجام آن فقط در جامعه کمونیستی امکان پذیراست . اعضا پس از عضویت بنا برنیازو اصلاح دید سازمان به دفعات متعدد مجبور اند بکار جسمانی به پردازند یا حتی بسیاری از آنها اساسا و دایما به کارهای جسمانی و کارگری مشغول شوند . طبعا رعایت معیار کار توده ای برای کسانیکه اساسا بکار توده ای اشتغال دارند ضروری نیست . برای این افراد فعالیت در زمینه های ذهنی یعنی (نوشتن مقاله ، تحقیق و شرکت فعال در بحث ها) جانشین معیارفوق می شود .

۸-- مطابق اصل لنینستی سازمان - اعضای یک سازمان باید فعالانه با پشتکار و خلاقیت در یکی از کمیته های سازمان وظایف محول را انجام و حق العضویت به پردازد . با پرداخت حق العضویت از طرفی مسئولیت عضو را در برابر سازمان روشن و از جانبی هم مشکلات مالی سازمان رفع می شود . رفقا باید از عایدات خالص ماهانه خود سه فیصد ۳٪ حق العضویت به سازمان به پردازند .

با ایمان رزمنده براهمان پیروز خواهیم شد.

www.sholajawid.org

sholajawid2@hotmail.com

<http://www.facebook.com/896077590481875>

وبسایت شعله جاوید :

ایمیل آدرس شعله جاوید:

فیسبوک شعله جاوید: